



۲۰۱۴/۹/۲۴

جليل غني

ديموکراسی بی مثال افغانی

بالاخره انتخابات با نتیجه ای مهندسی شده و آن طوریکه قدرتمندان و تیکه داران سیاسی افغانستان آرزو داشتند با تحمیل خواسته های شان بدون در نظر داشت رأی و نظر مردم شجاع و آرزومند آزادی و خود ارادیت، از طرف دستگاه های انتخاباتی اعلان گردید. اشرف غنی احمد زی رئیس جمهور و عبدالله عبدالله رئیس اجرائیه شناخته شد .

در هیچ کشوری چه بزرگ و چه کوچک و یا پیشرفته و عقب مانده و در هر موقعیتی که بر روی کره زمین قرار دارد نه چنین انتخاباتی را تاریخ جهان شاهد بوده است و نه چنین بررسی و رسیدگی به تقلب هایی را دیده اند که همه از خورد تا بزرگ و از کارمند انتخابات، با داشتن کاغذی بنام دوکتورا و یا تحصیلات پائین تر از آن، تا ترکیاری فروش با شرف بازار که از نعمت سواد هم بهره مند نبوده است آنرا بی سابقه و مسخره می داند و غیر قابل تصور. و در تحلیل نهائی آنرا می توان توهینی بر دیموکراسی و بی ارزش ساختن روش و مکتب سیاسی بنام «دیموکراسی» خواند که ملیون ها انسان از قرن هفدهم تا کنون در سرتاسر جهان برای ایجاد، قانونمندی، پیشروی و بارور ساختن و بهره مند شدن از آن، قربانی داده اند و کشور هایی که این روش مردم سالاری را پیروی کرده اند امروز از مترقی ترین ممالک جهان و پیشگامان حقوق انسانی و بشری، عدالت اجتماعی، آزادی های فردی اعم از آزادی بیان و عقیده، فعالیت های اقتصادی، اجتماعات، تأسیس نهاد های مدنی و احزاب سیاسی، تشبثات اقتصادی و هر آنچه که به معیار امروزی بنام «پیشرفت» نامیده می شود، محسوب می گردند .

انتخابات و حق استفاده از رأی، که یکی از ارکان اساسی ابراز نظر و بیان و عقیده در هر جامعه دیموکراتیک است، و هم یکی از مزایای این مکتب و روش است که مردم آزادانه رهبران شان را انتخاب می کنند و مقدرات ملت و کشور را به آنها می سپارند.

ارزیابی یک عملیه سیاسی به پهنای انتخابات بر اساس معیار های قبول شده بین المللی و تطبیق بدون تغییر و انجمادی این معیار ها بر کشور های دارای نظام های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و عقیدتی بدون در نظر داشت واقعیت های عینی جوامع به هیچ صورتی نتیجه مطلوب نمی دهد. گذشته ای چهل سال اخیر افغانستان کافی است که این نظر را تأیید کند. در چهل سال گذشته در افغانستان نظام ها و تفکرات مختلف از چپ افراطی گرفته تا راست افراطی و حکومت یک حزبی و سوسیالیستی تا حکومت متکی بر تعبیر های سختگیرانه اسلامی و حکومت های اسلامی چندین حزبی همه و همه تجربه شد و هیچ یک به نتیجه مطلوب نرسید. به این دلیل که همه این حکومت ها بدون در نظر داشت شرایط عینی و ذهنی جامعه طرح ریزی شده بود. افغانستان مثل هر کشور دیگر شرایط مختص به خود را دارد و عنصر ملیت و قومی در آن در طول تاریخ برانندگی داشته است. انتخابات اخیر در افغانستان هم مشخصه های خود را دارد که متأسفانه طوریکه دیده شد فساد حاکم بر جامعه نسبت به معیار های این عملیه سیاسی و درک شرایط عینی و ذهنی جامعه و در کل عدم شناخت از جامعه افغانی و یا فقدان جامعه شناسی افغانی، نقش تعیین کننده را داشته است .

جناب عارف عباسی مثل همیشه مقاله عالی ای تحت عنوان «به حلقه های زنجیر اسارت ملت افزوده شد» نگاشته اند که حاوی مطالب نهایت جامع و آموزنده بوده بر زوایای مختلف نتیجه انتخابات ریاست جمهوری روشنی می انداخت و گوشه دیگری از معامله گری های سیاسی و تقلب های دفتر داری را در «انتخابات افغانستان» افشا می ساخت و آن اعلان نکردن تعداد آرای هر دو کاندید ریاست جمهوری در دور دوم انتخابات آقای اشرف غنی احمد زی و آقای عبدالله عبدالله بود .

یقین کامل است که هم آقای عباسی و هم سایر افغان ها همه از جریان چانه زنی ها و بهانه پالی های هر دو جانب به منظور تحمیل کردن شان بر کرده ملت و اخذ مقام و چوکی آگاهی کامل دارند و یکی از دلایل به درازا کشیده شدن این انتخابات بود. از همان آغاز اعلام نتیجه اولی دور دوم گفته شد که بیش از هشت ملیون نفر درین دور انتخابات رأی دادند که هیچ عقل سلیمی آنرا قبول کرده نمی توانست که در دور اول انتخابات با وصف رأی دادن به اعضای شوری های ولایتی و کشتانیدن مردم به پای صندوق های رأی شش ملیون نفر رأی دهند و در دور دوم هشت ملیون. این خود بیانگر تقلب و پر کردن صندوق ها توسط کارمندان انتخابات و یا در تبانی با این کارمندان بود و نشان می داد که تقلب مهندسی شده و گسترده ای صورت گرفته است. آقای نورستانی رئیس کمیسیون مستقل انتخابات هم در روز اعلام نتایج نهائی گفت چون تقلب بسیار وسیع بود و تفکیک تمام آرای پاک از نا پاک نا ممکن بود، روی همین دلیل ارقام نهائی را اعلام نکرد. ولی ارقامی که به رسانه ها درز کرد و شاید هم قصداً داده شده باشد چنین است که آقای اشرف غنی احمد زی ۳۹۳۵۵۶۷ رأی یا ۵۵،۲۷ فیصد و آقای عبدالله عبدالله ۳۱۸۵۰۱۸ یا ۴۴،۲۳ فیصد آراء را بدست آورده اند. بدین ترتیب تعداد آرای که کمیسیون انتخاب باطل نموده ۸۲۶۹۴۲ رأی می شود که با در نظر داشت این محاسبه باز هم مجموع آرای دور دوم انتخابات ۷۱۲۰۵۸۵ رأی می شود که به هیچ صورتی نمی تواند آرای سالم و پاک باشد. این محاسبه نشان می دهد که مجموع آرای تقلبی که باطل گردیده ۸۲۶۹۴۲ رأی می شود که از آن جمله

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنېزې بڼې پاڼوالې دليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

۵۵۰۳۲۱ رأی تقلبی مربوط به آقای اشرف غنی احمد زی و ۲۷۶۶۲ رأی تقلبی متعلق به آقای عبدالله عبدالله بوده است. بدین ترتیب تقلب مختص به یک جناح نه بلکه متعلق به هر دو جناح بوده است.

در نتیجه، این انتخابات از همان قدم اول که تعیین کمشنر های کمیسیون های انتخابات و شکایات انتخاباتی بر اساس مصلحت ها بوده نه کفایت ها و صداقت ها، تا براه انداختن انتخابات و طولانی ساختن آن، همه و همه جفای عظیمی به حق ملت، به دیموکراسی، به اقتصاد علیل و متکی به اعانه های بیگانگان، به بی امنیتی و بی ثباتی کشور، به صدمات بزرگ بر زندگی روز مره ملت جفا دیده و بلا کشیده افغان و ... بوده است.

مهمتر از همه این روند مردم افغانستان را نه تنها به دیموکراسی و حق تعیین سرنوشت و حاکمیت مردم بی باور ساخت بلکه سبب آن شده است که دیگر مردم به رأی دادن و انتخابات بی علاقه شوند و هشت ماه بعد که انتخابات پارلمانی دایر خواهد شد و احتمالاً انتخابات ولسوالی ها هم همزمان با آن دایر خواهد گردید، در اثر این بی تفاوتی ها و دل زدگی ها پارلمانی تشکیل خواهد شد که اعضای آن با کمترین رأی خواهند آمد و چنین پارلمانی به هیچ صورت نمایندگی متناسب با نفوس را که یکی از اصول اساسی دیموکراسی است، نخواهد کرد.

در اثر این انتخابات و تقلب ها و کشمکش ها بین دو کاندید و سازش های پشت پرده و طولانی شدن آن، باور مردم به آینده مخصوصاً وضع امنیتی و ثبات سیاسی صدمه بزرگی دید و احتمال درگیری های داخلی، که ملت خاطرات بسیار تلخی از سال های ۹۰ در جریان حکومت های تنظیمی از آن دارد، خاصاً که سر و صدای حکومت موازی و حرکت «سبز و نارنجی» هم بلند شد و اخطار ها داده شد، روان تمام ملت را آسیب رساند. اگر تنها ضربه اقتصادی این شش ماه گذشته را در جریان زد و بند های انتخاباتی در نظر بگیریم در حدود دوازده میلیارد دالر خساره به اقتصاد علیل و متکی به اعانه های کشور های کمک کننده وارد شد. شش میلیارد دالر سرمایه به خارج از افغانستان انتقال کرد و شش میلیارد دالر دیگر عواید دولت به نسبت واردات کمتر و سایر فاکتور های عایداتی کاهش یافت. مسؤل این همه خسارات مالی کیست؟ کمیسیون های انتخابات؟ حکومت؟ کاندیدان ریاست جمهوری؟ تجار؟ سرمایه داران؟ و یا هم ملت!!!!

تازه سر و صدا هایی برای به محاکمه کشاندن مسؤلین تقلب های انتخاباتی و اعضای کمیسیون های انتخاباتی بلند شده است. ملت حق دارد جواب این سؤالات را دریابد. ملت برای رأی دادن و آوردن دیموکراسی و تعمیل حق و عدالت، قربانی داده است. ملت برای ایجاد یک حکومت مردم سالار هرگونه مشقت و تنگ دستی و فشار های گوناگون را تحمل کرد تا از زیر یوغ قدرتمندان حریص و جاه طلب و زور گویان، و استفاده جویان نجات پیدا کند. ملت برای نجات از بی عدالتی و فساد اداری که شیرازه زندگی و تأمین عدالت را از بیخ کنده است و به امید یک جامعه آزاد و عاری از هرگونه تهدید و تعجیز و تجاوز و برای روی کار شدن حکومتی عادل و با کفایت به پای صندوق های رأی رفت نه برای زمینه سازی به معاملات سیاسی دیگری و غصب کرسی ها توسط آنانی که خود را نمایندگان اقشار مختلف جامعه متحد و برابر و برابر افغانستان جا زده اند.

این انتخابات و دیموکراسی را می توان دیموکراسی افغانی نامید. شکی نیست که اصول و قواعد دیموکراسی در هر جامعه نظر به ایجابات عقیدتی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و سایر فکتور های حاکم بر جامعه تغییر پذیر است و اصول دیموکراسی جامد و غیر قابل انعطاف نیست ولی یک سلسله اصول و قواعدی هست که در هرگونه شرایط یک جامعه باید رعایت گردد و حق رأی و انتخاب یکی از آنست. این اصل در هیچ شرایطی به معامله گذاشته نمی شود و تا جائیکه دیده می شود در هیچ کشور دیگری دیده نشده که انتخابات برنده و بازنده نداشته باشد و هر دو رقیب برنده درجه اول و برنده درجه دوم باشند و چنین روشی و مکتبی جز در افغانستان در جای دیگری سابقه نداشته است. بناءً میتوان آنرا دیموکراسی افغانی نامید.

ولی یک اصل دیگر را هم باید در نظر گرفت که با قطبی شدن جامعه بر اساس قوم، نژاد، مذهب، زبان، سمت و منطقه، که نتیجه نا مطلوب مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری این دور بوده است، توافق سیاسی اخیر هم تابع شرایط و اوضاع خاص سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه افغانی قرار گرفته است و یکی از راه هایی که امید است وحدت ملی و هم گرایی و تفاهم ملی را دوباره در افغانستان احیا کند، خواهد بود. تجربه ای که جهان از عراق بعد از سقوط دادن صدام حسین و تشکیل حکومتی از پیروان یک مذهب و تبار و قوم و عشیره بدون سهم ساختن سایر اقشار جامعه گرفت و منجر به یک جنگ داخلی و ظهور گروه تند رو دیگری بنام داعش گردید که تهدیدی نه تنها بر آن کشور و منطقه بلکه بر جهان گردیده است، متحدین بین المللی افغانستان به هیچ وجهی با چنین تجربه ای که از عراق دارند، حاضر نخواهند بود بعد از قربانی دادن ها و صرف میلیارد ها دالر برای با ثبات ساختن افغانستان و ریشه کن کردن لانه های دهشت افگنی از این کشور، بگذارند افغانستان بار دیگر به یک معضله منطوقی و جهانی مبدل شود و بناءً در ایجاد این تفاهم سیاسی بین دو جناح به حیث دو جانب مدعی نمایندگی از تمام اقشار و اقوام افغانستان، برای تشکیل یک حکومت همه شمول و نماینده همه مردم افغانستان این انعطاف در اصول دیموکراسی را ترجیح داده و برای تشکیل حکومت «وحدت ملی» پا در میانی نمودند. مردم افغانستان هم که شش ماه بی صبرانه انتظار نتیجه را داشتند از این توافق و تفاهم سیاسی استقبال کردند و درست در همین دو روز گذشته بازار رونق گرفت و تحرک های اقتصادی نمایان شد.

د پانوی شمیره: له ۲ تر ۳

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

هدف از این انتخابات این هم نبوده که مجاهدین و جهادی ها به حاشیه کشانده شوند، آن طوریکه بعضی ها چنین برداشتی دارند. آقای سیاف رهبر تنظیم اتحاد اسلامی و یکی از کاندیدان ریاست جمهوری افغانستان که در دور اول انتخابات اندکی بیش از نه صد آراء را بدست آورد، با کمال عصبانیت در سومین سالگرد کشته شدن برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی در تالار لویه جرگه گفت «آنانی که آرزو دارند مجاهدین را به حاشیه بکشانند این آرمان را پدر تان به گور برده، پدر کلان تان به گور برده و شما هم به گور خواهید برد». این برداشتی است که آقای سیاف از انتخابات دارد. اما پهلوی دیگر این انتخابات اینست که تمام آرای این انتخابات تقلبی نیست و مردم رأی دادند. درین انتخابات اگر بی طرفانه قضاوت شود دو جناح کاملاً مشخص شده بود یکی جناح تکنوکرات ها و دیگری جناح تنظیم های جهادی. گر چه فکتور قومی هم در آن بی اثر نبود. ولی در هر دو جناح گروه ها مختلط بود مثلاً در جناح تکنوکرات ها گروه ها و کسانی بودند که در جهاد هم سهیم بودند و در جناح مجاهدین گروه ها و کسانی از تکنوکرات ها بودند ولی در واقع حضور چنین گروه ها و اشخاص در هر دو جناح نمادین بود. در حکومت آقای کرزی هم عناصری از هر دو جناح شامل بود ولی جناح تکنوکرات ها متبازر تر بود و در حکومت آینده که بنام «حکومت وحدت ملی» یاد شده هم سعی شده تا هر دو جناح سهمی داشته باشند و سهم هر یک بنا بر موافقتنامه ای که بین آقای اشرف غنی احمد زی و آقای عبدالله عبدالله امضاء شده مساوی است و هر یک از جانبین پنجاه در صد در حکومت و قوای قضائیه سهم خواهد داشت که یک توازن را بین این دو نشان می دهد و امید آنست که این توازن برای پیشرفت امور باشد نه برای ایجاد سد و مانع ناشی از اختلافات سلیقه ها.

این موافقتنامه فرصت خوبی است برای آنانی که آرزوی خدمت گذاری به افغانستان دارند و هم برای جبران اشتباهاتی که در گذشته ها شده است. اینکه این تعهد و شراکت سیاسی تا چه حدی دوام خواهد کرد و مؤثر تمام خواهد شد آینده به آن جواب خواهد داد. در گذشته تعهداتی که بین تنظیم ها و گروه های غیر تنظیمی بعمل آمده بود چندان دوامدار نبوده است امید این بار هم تنظیم ها و هم گروه های تکنوکرات با تجاربی که از گذشته ها دارند و با مصائبی که ملت افغانستان از این انتخابات دید و شمه ای از آنرا در بالا تذکر دادیم، بر دوام چنین تعهدات پایبند باشند نه بر اختلافات سلیقه ای که در حکومت داری و تطبیق پالیسی ها خواهند داشت. امضای آقای بان کوبیش نماینده ملل متحد در افغانستان و جمز کنگهم سفیر ایالات متحده امریکا در افغانستان به حیث گواه در پایان این موافقتنامه به معنی تعهد ملل متحد و ایالات متحده به حفظ این تعهد، جلوگیری از تخطی از آن و تطبیق این تعهد نامه است که دوام و کار آئی این تعهد نامه را تضمین کرده می تواند.

پایان

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ